



سه مورد استثناء در نقش تفصیلی تدبر در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

به گفته یک پژوهشگر قرآنی، علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر المیزان می‌گوید که تدبر در قرآن در همه جا نقش تفصیلی دارد، به غیر از سه مورد که می‌توان به آیات مربوط به احکام، قصص و معاد اشاره کرد.

به گفته یک پژوهشگر قرآنی، علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر المیزان می‌گوید که تدبر در قرآن در همه جا نقش تفصیلی دارد، به غیر از سه مورد که می‌توان به آیات مربوط به احکام، قصص و معاد اشاره کرد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست تخصصی نقش و جایگاه روایت در تفسیر المیزان، عصر امروز پنجشنبه 19 تیرماه، در سالن کنفرانس باغ موزه دفاع مقدس؛ محل برگزاری بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با سخنرانی مرتضی توکلی، پژوهشگر قرآنی برگزار شد.

این پژوهشگر قرآنی، با اشاره به روش تفسیر قرآن به قرآن، اظهار کرد: روش تفسیر قرآن به قرآن، یکی از روش‌های تفسیری است که امروز در بیان محققان و پژوهشگران روش بسیار شناخته شده و قابل استفاده در فهم آیات قرآن کریم است. وی افزود: از جمله مفسران معروف که در زمینه تفسیر قرآن، رتبه علمی بالایی را کسب کرده و در این حوزه صاحب نظریه بوده مرحوم علامه طباطبایی است.

پژوهشگر قرآنی تصریح کرد: تفسیر قرآن به قرآن از یک منظر به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اولین بخش بر این ادعاست قرآن فی نفسه در بیان معانی و مقاصد خود به چیزی نیاز ندارد و این افراد در استفاده از تفسیر قرآن به چیز دیگری مراجعه نمی‌کنند و تنها به قرآن استناد دارد. گروه دوم کسانی هستند که قائل به استفاده از قرآن صرف نیستند، بلکه برای تفسیر معانی به ابزار و منابعی نیاز دارند که یکی از این منابع قرآن است.

وی بیان کرد: در برخی از فرمایشات علامه، عباراتی است مبنی بر اینکه در تفسیر قرآن تنها باید به قرآن مراجعه کرد. در واقع لازمه شیوه تفسیر این است که قرآن برای هدایت جهانیان و فهم قرآن، چیزهای دیگری را معرفی کرده است؛ یعنی اگر قرآن نور است، برای بیان نیان به چیز دیگری است.

توکلی اظهار کرد: علامه طباطبایی در نقد فلاسفه می‌گویند در نگاه آنهایی که در تفسیر قائل به قرآن هستند، اگر قرآن را با استفاده از منابع غیر قرآنی تفسیر کنند، فی نفسه استقلال نخواهد داشت.

وی افزود: علامه طباطبایی عنوان می‌کند که اگر آیات و روایات استقلال نداشته باشد، چگونه می‌توان آن روایت را عرضه کرد. قرآن باید برای خود استقلال داشته باشد و صحت روایت را از قرآن مشخص کرد.

این پژوهشگر قرآنی تصریح کرد: یک دسته از روایات را داریم که تفسیر به رأی هستند. یعنی هر کسی قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر می‌کند که جزای این افراد این است خداوند جایگاهی در آتش را برای آنها قرار می‌دهد. بنابراین ما نباید اجازه دهیم که فردی با فکر و رأی خود قرآن را تفسیر کنند.

وی بیان کرد: رجوع به غیر قرآن یا از طریق وحی یا غیر وحی است. غیر وحی سنت است؛ سنت همان غیر قرآن می‌شود و ممکن است در تفسیر خدشه وارد کنند و در نهایت خود قرآن می‌ماند که باید برای فهم قرآن تنها به خود قرآن مراجعه کنند.

توکلی اظهار کرد: پیامبر وظیفه دارد قرآن را به مردم آموزش دهد؛ یعنی پیامبران رسالت تبیین قرآن را دارند. علامه طباطبایی در این باره پاسخ می‌دهد که نقش پیامبر تبیین است همچنین علامه در بخشی دیگر در تفسیر می‌فرماید که قرآن حتی برای فهم معانی خودش نیازی به هیچ چیزی ندارد.

وی افزود: خداوند از انسان‌ها خواسته است که در قرآن تدبر کنند و همین تدبر در نگاه اول به نوعی اختلاف به بار می‌آورد، اما علامه می‌گوید که تدبر در قرآن حتی اگر اختلاف هم ایجاد کند، ما نیازی به بیان پیغمبر در تفسیر نداریم.

این پژوهشگر قرآنی تصریح کرد: علامه طباطبایی در روش تفسیر، استفاده از سایر منابع را نه تنها نهی نکردند، بلکه خودشان هم از آن استفاده کردند. حتی در بخشی از تفسیر می‌بینیم که علامه لغتی را از کتاب صاحب لغت استفاده کرده است.

وی بیان کرد: علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر می‌گوید که تدبر در قرآن در همه جا نقش تفصیلی دارد، به غیر از سه مورد که می‌توان به آیات مربوط به احکام، قصص و معاد اشاره کرد.

توکلی اظهار کرد: بیش از 70 درصد آیات قرآن بر احکام، قصص و معاد است و حتی در آیه 238 سوره بقره مشاهده می‌کنیم که علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به سنت مراجعه کرده است. درواقع علامه جایگاه سنت را در تفسیر حقیقی می‌شمارد، نه مجازی.

وی افزود: علامه بیان صدرالمنتها را منوط به فهمی از روایت می‌کند و در تفسیر سوره نجم از سنت استفاده کرده است. این پژوهشگر قرآنی تصریح کرد: علامه می‌گوید که تفسیر، مراد خداوند از بیان آیات است و هر چیزی که در ذیل آیات بگوییم، تفسیر نیست؛ یعنی تفسیر معنی لغات نیست بلکه باید مقصود خداوند از آیات را تبیین کنیم.

وی بیان کرد: علامه در بیان خودشان به این قائل نبودند که برای فهم قرآن باید تنها از قرآن استفاده کرد، اما استفاده حداکثری از قرآن می‌توان کرد.

توکل‌ی اظهار کرد: علامه طباطبایی نه تنها قائل به تفسیر قرآن به قرآن صرف نیست، بلکه در مقابل جایگاه روایات را در تفسیر برجسته و جدا کرده است. مفسر نباید افکار فلسفی خود را در تفسیر قرآن دخالت دهد که اگر این اتفاق رخ دهد، تفسیر به بیراهه خواهد رفت. مفسر باید داشته‌های ذهنی خود را در تفسیر کنار بگذارد و ابتدا خود را به عنوان مخاطب قرآن قرار دهد. وی افزود: این ادعا جفایی است در حق علامه طباطبایی که ایشان روایات را در تفسیر کنار گذاشته‌اند. اگر کسی در تفسیر المیزان تدبری داشته باشد به این نتیجه می‌رسد که علامه برای فهم قرآن نه تنها از سایر ابزارها استفاده می‌کند، بلکه در بخش‌هایی از تفاسیر به منابع غیر قرآنی مراجعه کرده است.